



امام علی علیه‌السلام:

التَّجَلَّةُ تَمَنَّعُ الْإِضَابَةَ

شتاب از رسیدن بازدارد.

بِحِصَا هَالِكِي مَاهِ وَيَمْضَانِي

دعای روز بیستم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ وَاغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّارِانِ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ يَا مُزَيَّلَا السَّكِينَةَ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِينَ.

خدایاندا در این روز درهای بهشت را به رویم بگشاید و درهای دوزخ را به رویم فرو بند و مرا در این روز به تلاوت قرآن گامیاب گردان؛ ای فرود آورنده آرامش در دل مؤمنان.

دعای روز بیست و یکم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ ابْوَابَ الْجَنَانِ وَاغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّارِانِ عَلَي سَبِيلَا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَثْرَلَا وَمَقِيلَا يَا قَاضِي خَوَائِجِ الطَّالِبِينَ.

خدایاندا در این روز مرا به سوری موجبات خوشنودی راه بنمای و راهی برای چیرگی شیطان من فرار مده و بهشت را سرا و آرامشگاه گردان؛ ای بر آورنده نیاز خواستاران.

دعای روز بیست و دوم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ ابْوَابَ فَضْلِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَاَسْكِنِّي فِيهِ بِحُوحَاتِ جَنَّاتِكَ يَا مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُحْتَظِرِينَ.

خدایاندا در این روز درهای فضل و عطایت را بر من گشاید و برکت‌های خود را برایم فرو فرست و به هرچه تو را خوشنود گرداند تو قیفم ده و جایگاهم را در میانه بهشت قرار ده؛ ای اجابت‌کننده دعای بیچارگان.

دعای روز بیست و سوم

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَاَمْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُمَيَّلِ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ.

خدایاندا مرا در این روز از گناهان بشوی و از عیب‌ها پاک گردان و دلم را به پرهیز گاری دلها خالص فرما؛ ای در گردننده لغزش گنهکاران.

بر بال ملائک - ۱۷

حمیدرضا زاهدی

کوفه ایک نیتهار از همیشه است. مردی رفته است که حتی حاضر نبود به قاتل خویش ظلمی روا دارد؛ بهیات، مبادا که کشتن رسم مسلط جهان شود! علی؛ نفسگیر تعریف «فرت» رفته است و غوغایی در پی اوست. جنگل چشمها مه گرفته است. چشمها را به دور دستها سپرده‌ام، شاید که خورشید را ببینیم. فرشتگان نغمه‌های آسمانی سر داده‌اند. از گلدست‌ها اذان سوگ می‌شود. شنبه. یروانه به عشق سهویبیداست. جمعه بود و موسم دلنگی عشق‌روزان که هرچه بیشتر می‌نگرند، کمتر می‌یابند. باید به قیله سفر کرد؛ باید به بخدا ادای دین کرد:

الحمد لله الذي هو بالعرض المذكور وبالفخر مشهور...

جمالز تنهایی را بر از نیتیش می‌کنیم، شاید نشانه‌ای آشکار شود. علی همه عاشقی بود و حال‌در تنهایی به زیارت یار می‌رود:

یک قطره آب بود و با دریا شد

به قیله نیتیش جنگ می‌زنم و گلی زده خاک و با زمین یکتا شد
ابدیت او می‌رود که عاشق‌ترین مرد زمین در کوجه‌یغ تنهایی آواز می‌خواند:
با مردم به هنگام دیدار و به مجالس رسمی و در مقام دوری، گشاده‌خوش باش و از خشم پرهیز. هر که سبک‌مغزی، به تحریک شیطان است و پادان آنچه تو را به خدا نزدیک می‌کند، از آتش جهنم دور و آنچه تو را از خدا دور می‌کند، به آتش جهنم نزدیک‌تر می‌کند...

امشب شب علی است

همه برگ و بهار در سرانگشتان توست

هوای گسترده در نقره انگشتانت می‌سوزد

و زلالی مایه‌دانه از باران خورشید سیراب می‌شود...

گشنگش نگاهم بر قاب پنجره نشسته‌است. تنهایی در زلال دعا شناور می‌شوم. می‌دانم جنگی در دور دستها لایه رسیدن است و درنازی شب فرصت اندک و وصل. مسافران قیله در آرامش حرم یار نیتیش می‌کنند.

مدامم مست می‌دارم نسیم جعد گیسویم

برگزاری مراسم شب قدر در حواری بارگه امام هشتم شیعیان جهان حضرت امام زکریا در مشهد و نیز مرقد مطهر کرمه اهل بیت حضرت معصومه(س) در قم و حضرت عبدالعظیم در شهری حال و هوای دیگری داشت.
عاشقان قول دوست در مهتال(ضلع) در شب‌های قدر بار از نیاز با معبود در جوار امام زکرف خویش غبار جان بستند.نای العقیبه بندگان خدا در شب‌های قدر در فضای شهر پیچیده بود و مساجد تکایا و مسجدنایا همه و همه ملول از حضور عاشقانی بود که با زرمه‌های خود دو کزد دعای جوشن کبیر معبود خویش را با هزار نام مقدس می‌خوانند.حرم ملک حلیه پاسبان رضوی نیزمآزای هزاران زائر و مجاور دلداه و شیفته‌ای بود که سرشک زلال عشق بریدگانشان جاری بود و با توسل به قرآن و امامان معصوم تقدیری نیک را از خداوند طلب می‌کرد.دین امراس پریشب در صحن‌ها و رواق‌های مختلف حرم مطهر رضوی با مداحی ماحان اهل بیت(ع) برگزار شد.
مراسم احیای شب قدر با حضور خیل عظیم مؤمنان در حرم مطهر حضرت معصومه(س) و مسجد مقدس شکران برگزار شد.

زائران و مجاوران در این شب پر فیض خود را از نقاط دور و نزدیک به این مکان‌های مقدس رسانده بودند تا ضمن استغفار به درگاه الهی سالی بر خیر و برکت برآی خود، خانواده و میهن اسلامی ایران از درگاه الهی مسئلت کنند.

<p>بِسْمِ تَعَالَى</p> <p>آگهی دعوت</p> <p>مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده</p> <p>از آن جایی که به موجب احکام قطعیت یافته صادره از محاکم قضایی تعداد ۱۸- ۱۶۲۰ سهم از شرکت هتل زرنگ گیلان در اینجانبان ۱- فریبرز خلیل زاده کلنگستانی ۲- فرهاد مهرور ۳- راضیه صالح جوی انتقال رسمی و قانونی یافته است و ترکیب هیئت مدیره شرکت نیز تغییر قانونی می‌یابدس و علیرغم درخواست از بازرس شرکت جهت تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده به تکلیف قانونی خود عمل ننموده و لذا بدین وسیله از سوی اینجانبان دارنده‌گان ۸۰درصد سهام از کلیه سهامداران قانونی شرکت دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده در روز شنبه مورخ ۱۳۹۱/۲/۹ صبح در مقر شرکت به آدرس رشت خیابان منظر به حضور به هم رسانند.</p> <p>دستور جلسه:</p> ۱- انتخاب اعضاء هیئت مدیره ۲- انتخاب مدیرعامل جدید ۳- انتخاب بازرس جدید ضمناً جلسه مجمع عمومی مورخه پنجشنبه ۱۳۹۱/۶/۱۸ مبدرج در صفحه سوم شماره ۲۴۸۲۷ در روزنامه اطلاعات مورخه ۱۳۹۱/۶/۸ کن لم یکن نقلی میگردد. <p>دارندگان ۸۰ درصد سهام</p>

برگزاری نمایشگاه عکس در موزه هنرهای معاصر فلسطین



نمایشگاه «دیوار» شامل عکسهایی از آلفرد یعقوب زاده با همکاری موزه هنرهای معاصر فلسطین موزه هنرهای امام علی(ع) برگزار می‌شود.
برگزار می‌شود.
برگزار می‌شود.
برگزار می‌شود.
برگزار می‌شود.

نمایشگاه «دیوار» شامل عکسهایی از آلفرد یعقوب زاده با همکاری موزه هنرهای امام علی(ع) برگزار می‌شود.
برگزار می‌شود.
برگزار می‌شود.
برگزار می‌شود.
برگزار می‌شود.

بیانیه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت روز جهانی قدس

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت روز جهانی قدس بیانیه‌ای منتشر کرد.

به گزارش ایسنا، متن کامل بیانیه سیدمحمد حسینی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
«اللیصلیح قریب»

روز قدس در آستانه شب‌های قدر، قداست بیشتر یافته است. شاید این نزدیکی، حرفی از جنس تقرب دارد، حرفی از هاله عشق، سخن از روح تقدس‌دار!

مظلومیت برداران و خواهران فلسطینی ما در سالی که گذشت، بر جهانیان آشکارتر شد!

تعدی و جنایت غاصبان قدس، دامن آزادگان غیرفلسطینی را نیز به آتش کشید که ققنوسی شد از آن جماعت رشید!

اینکه که مشتی سهویبست می‌تواند کشتی کاروان آزادی را با نهایت شقاوت و قساوت، چونان کوسه‌های وحشی، تکه تکه کنند، دریایی از خشم

نستعلیق معاصر، ماثراتر از تجربه‌های «میر خانی» است



تأثیر حسین میرخانی بر خوشنویسان نسل‌های بعد از خود غیر قابل انکار است.
به گزارش مهر، اکبر ساعتی خوشنویس معاصر در مراسم نکوداشت حسین میرخانی پیشکوست خوشنویسی ایران که به هنگام برگزاری جشن یاریان نگارخانه برگ برگزار شد، ضمن بیان این مطلب، گفت: برخی از معلمین خوشنویسی، حتی قلم را در دست می‌تراشیدند و برخی حروف را از قیل روی ناخنجایشان می‌نوشتند که در مقابل شاگردانشان نویسد تا به نیت خود، در حروف کارشان فاش نشود.
وی ادامه داد: به نظر من این کار نشانه کوچک بودن چنین معلماتی است.

اینگونه نبود، او شخصیت والایی داشت و همیشه می‌گفت که حالا خط خوب هم نوشتیم، اما اگر آدم باشیم چه فایده.

وی در مورد ابعاد دیگر شخصیت میرخانی اظهار کرد: با وجود مهربانی و راحتی، گاهی ذره‌ای ذوموضض پایین نمی‌آمد و وقتی که فکر می‌کرد، هنر عدشه دار شده است، روی سخنانش با اصرار می‌ایستاد.

وی در مورد جایگاه میرخانی توضیح داد: برای او خوشنویسی مهم بود. نستعلیق معاصر از ایشان منتقل شد و اکنون نسل کونئی خوشنویسی می‌دهد.

قدردانی از فعالان و پیشکوتان صنعت چاپ

همزمان با گر امیداشت روز ملی صنعت چاپ، چهاردهم شهریور، از فعالان و پیشکسوتان حوزه چاپ قدرانی می‌شود.

این برنامه یکشنبه چهاردهم شهریور ماه همزمان با روز ملی کارشناسان صنعت چاپ و با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسئولان در تالار وحدت تهران برگزار خواهد شد.

مجلس هفته آینده درباره حذف کنکور تصمیم می‌گیرد

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی درباره تصمیم مجلس برای تاریخ نهایی کنکور گفت: مقرر شد که آخرین کار کارشناسی در این زمینه تا سوی مرکز پژوهش‌های مجلس و دستگاه‌های متعلق شود تا تاریخ نهایی در هفته آینده مشخص شود.
دکتر علی عباسپور فدرتهانی در گفت‌وگو با مهر افزود: در جلسه روز یکشنبه گذشته کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس پیشنهاد وزارت علوم براساس نامه وزیر علوم درباره حذف کنکور مطرح شد که در آن پیشنهاد حذف کنکور سال ۹۲ اعلام شده بود. البته در این جلسه آموزش و پرورش اعلام کرد که با معاون وزیر علوم همچنین از ایجاد مقدمات افتتاح رسمی شبکه

مجلس هفته آینده درباره حذف کنکور تصمیم می‌گیرد

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی درباره تصمیم مجلس برای تاریخ نهایی کنکور گفت: مقرر شد که آخرین کار کارشناسی در این زمینه تا سوی مرکز پژوهش‌های مجلس و دستگاه‌های متعلق شود تا تاریخ نهایی در هفته آینده مشخص شود.
دکتر علی عباسپور فدرتهانی در گفت‌وگو با مهر افزود: در جلسه روز یکشنبه گذشته کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس پیشنهاد وزارت علوم براساس نامه وزیر علوم درباره حذف کنکور مطرح شد که در آن پیشنهاد حذف کنکور سال ۹۲ اعلام شده بود. البته در این جلسه آموزش و پرورش اعلام کرد که با معاون وزیر علوم همچنین از ایجاد مقدمات افتتاح رسمی شبکه

در آغاز انقلاب اسلامی، دستخه طراحی داخلی را کرده و واردنمای عکاسی شد. یعقوب‌زاده به مدت سه سال در گروه جنگهای ناظم شهید چمران حضور داشت و برای بازدید به عراق، ترکیه، روسیه، آمریکا و... نیز عکاسی کرده و این لحظات و برسانی‌های داخلی و خارجی عکاسی کرد که حاصل آن با عنوانین «جنگ ایران و عراق» و «چهره‌های جنگ» به چاپ رسیده است.
مجموعه «صلح مسیله» نیز حاصل ۱۳ سال همراهی وی با مبارزان فلسطینی است. یعقوب‌زاده متولد ۱۳۲۷ است. او در سال ۱۳۵۷

متولد ۱۳۲۷ است. او در سال ۱۳۵۷

انسان‌های مؤمن خواهیم ساخت؛ موج و پرتلاطم! تا در موج خیز غیرت مسلمانی، فرصت دزدگی را از آنان بگیریم.
امسال به همراهی اهالی فرهنگ و هنر، نه چو نان سال‌های پیش، که از آن بیش و از آن پر موج‌تر رودی خواهیم ساخت تا به ایقانوس نازارم تعصب این ملت در روز قدس بیپوندیم.
هرمند مسلمان توفانی است که آدم‌های در ساحل نشسته شاد و خندان را از موج‌سواری بر خردر خواهد داشت؛ و صدای امواجش ترس در وجود ماهی گیران آب‌های گل آلود خواهد افکند.
روز قدس در کنار همه، هزاران کاروان آزادی به راه می‌اندازیم. فلک را سخت بشکافیم و طرحن نو در اندازیم.
وسیع‌الم الذین ظلموا!ی متقلب یقولینو

سیدمحمد حسینی در آخرین جمعه از ماه مبارک که رمضان به عنوان سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه شهری، در حرم عبدالعظیم حسنی درباره مظلومیت خواهران و برداران فلسطینی، ظلم آشکار سهویبست‌ها و اهمیت روز جهانی قدس سخنرانی می‌کند.

اعلام اسامی پذیرفته‌شدگان آزمون استخدامی آموزش و پرورش

وزیر آموزش و پرورش گفت: اسامی ۴ هزار پذیرفته‌شده نهای آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش در پایگاه اینترنتی این وزار تخانه به نشانی **www.medu.ir** قرار گرفت.

حمیدرضا حاجی‌بابایی به واحد مرکزی خبر گفت: از این پذیرفته‌شدگان، ۱۵ هزار نفر معلم تربیت‌بندی، ۱۰ هزار و ۱۲ هزار نفر معلم ابتدایی و بقیه از رشته‌های فنی و حرفه‌ای هستند.

وی افزود: کلاس‌های ضمن خدمت این پذیرفته‌شدگان از شنبه ۱۳ شهریور در مراکز استان‌ها آغاز می‌شود و پذیرفته‌شدگان از اول مهر مشغول به کار خواهند شد.

وی خاطر نشان کرد: اسامی تعدادی از شرکت‌کنندگان در آزمون استخدامی از شرکت کنندگان (لااحضورالحاضر، و با اطلاع از نیز به عنوان ذخیره اعلام شده است که در صورت نیاز جایگزین پذیرفته‌شدگان خواهند شد.
حاجی‌بابایی یادآور شد: شرکت‌کنندگان در آزمون استخدامی نسبت به نتیجه آزمون استخدام شکایت ندارند، و همین‌ساخته هنرچویان را به سمت میرخانی می‌کشاند.
در پایان مراسم، نمایشگاهی آموزشی و پرورش و ارستان‌ها به مرکز آموزش و پرورش استان‌ها مراهجه کنند.
ی‌ت تأکید کرد: تمامی سهمیه‌های ظرف خراشه استخوان نوناست از جان غلی حفاظت نماید و پاسدار جان بافضیلت او باشد و بدینسان خداوندگار صبر و تحمل، شجاعت و ایثار، در فضایی تلخ‌تر از حطّظ و در حالی که خنار در چشم، خراشه استخوان در گلو داشت با آخرین دم‌های جان به لب رسیده، فریاد «فرت و رب الکعبه» سر داد. آری علی چنین بود و دیگر هرگز کسی را نرسد که چنان باشد، او نسخه فرده بود. آن‌که جان غلی را کشتن زهر شمشیر این‌مدلج مرادی نبود، بلکه زهر همان خراشه استخوان در گلو بود.

* نثر فریدهای عدالت‌تبار مولی علی (ع): چاه و نخلستان

شب است و کوفه و مردی زلال در باران
نشسته زیر نگاه خدایا، به نخلستان
شب است و کوفه و مردی غریب...نماش چیست؟
که نوری می‌وزد از سمت نام او این سان
کسی شبیه خدایا، بدیل و بی‌همتا
فرشته‌تر ز فرشته، فراتر از انسان
کسی شبیه خدایا، در شکوه گل پیدا
کسی شبیه خدایا، مثل روح گل پنهان
کسی که نام بلندش کلید هر قفل است
برای پرسش هر درد، پاسخ درمان
کسی که قلب غیورش، مُقتم عشق است
کسی که روح کریمش مُقسم احسان
صدای پای عدالت به کوفه می‌پیچد
بیتم کوفه و مشق سپید: بابایا، نان
شب است و کوفه و یک مرد، همشین درد
شب است و کوفه و یک مرد، چاه و نخلستان
شب است و کوفه و یک مرد، چاه و نخلستان
شب است و نعره تیغی که ناگهان... افسوس!
شکافت فرق عدالت، شهید شد قرآن...

بیانیه والافتخار و خراشه استخوان مصطفی نصیری

بیست و یکم رمضان سال چهلم هجرت، نقطه پایان زندگی ابرمردی است که ۱۲۹۱ سال پیش از درون کعبه پای در این جهان گذاشت و به محراب مسجد کوفه دست از آن شست. علی اسوه و مثل اعلامی همه خوبیها و از شهزای شری مثل عدالت، شجاعت، ایثار، پارسایی و قناعت، صبر و تحمل، دانیایی و مهربانی و... است. او آنچنان این مفاهیم ارزشمند را با خود عجین کرده و آنها را به چنان سپهر دست نیافتنی رسانده که به تعبیر زبای شریعتی؛ حقیقتی بر گونه اساطیر و به تعبیر ژرف این‌سیاسی بزرگ؛ معقولی در میان محسوسات شده است. علی مردی جامع الاضداد و به تعبیر دیگر، اول و آخر همه تفاوت‌هاست.

او زندگی زاهدانه‌ای دارد و از دنیا به قوت لایموت قناعت می‌کند در حالی که از راه فعالیت‌های کشاورزی از درآمد خوبی برخوردار است ولی درآمد خوب باعث نمی‌شود که علی از نظر معیشت و مسکن و مرکب و پوشش (سبک زندگی) کاموتر از افشار پابین جامعه خود باشد. تنها پس از ضربت شمشیر این‌مدلج مرادی است که معلوم می‌شود کوچک‌سار آذوقه به دوش شبهای کوفه کیست، علی داناترین بشر زمان خود است که دعوی «سلبی» در افکند است.
او گفته که راه‌های آسمان‌ها آشتنتر از راه‌های زمینی است و بالاخره اینکه پیغمبر(ص) او را «باب» شهر علم نامیده است، اما همه آنها باعث نمی‌شود در تکبر جاهلانه گرفتار آید و خاضعانه «من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا» نگردد. علی، شجاع‌ترین پهلوان روزگار است که همه را به خاک آورده است. او توانسته دروازه قلعه خبیر که به نقل ابن‌ابی‌الحدید چهل مرت تومن‌از جابجایی آن عاجز بودند را بیکه و تنها و امتدادی و میراث محمد امین است اما گرفتار قومی شده که اگر یک کاسه بی آب‌شما را به امانت به آنها می‌داد، بیم آن داشت که دسته‌اش را بدزدند تا از آنان بر نهند.

علی مرد پرفرطیتی است. آنچه‌انکه توانسته اسرار عالم غیب و شهادت و نقشه راه‌های آسمان را تاب آورد، اما تقدیر این است که گریبان مردان بزرگ و برطرفیت در گرو دستان غم‌های بزرگی هم باشد، آنچه‌انکه همین علی استوار همچون کوه و برطرفیت در برابر زهر خنایت و جهالت و نفاق و پشت یا زدن به ارزش‌های دین محمد، چنان بی تاب می‌شود که لب به شکوه و نفرین می‌گشاید و می‌گوید: خدایا، هم من از این قوم و هم این قوم از من خسته شده است، یا به جای من ستمگری را بر اینار بنگار یا به جای آنان قومی صالح و خوب به من ده - ایکاش هرگز شما را نمی‌دیدم و هرگز با شما آشنا نمی‌شدم که از این آشنایی جز حسرت نصیب من نشد - خدا شما را بکشد که قلبم را به درد آوردید و در هر نفس جوعه اندوه بر کامم ریختید - شما همانند تیر بی‌کمان هستید که خطری برای دشمن ندارید - من تا ابد از شما ملولم، و... از این نوع دلنگنی‌ها به وفور می‌توان در نهج‌البلاغه سراغ گرفت و از همین چند نمونه به راحتی می‌توان در یافت که علی با چه دردهای استخوان‌سوزی روزگار می‌گذراند و چرا سر در فری می‌زند.

دردهای علی همگی از مسئولیت‌پذیری او سرچشمه می‌گرفت که از خطبه‌تفسیقی (لااحضورالحاضر، و با اطلاع از نیز به عنوان ذخیره اعلام شده است که در صورت نیاز جایگزین پذیرفته‌شدگان خواهند شد.

حاجی‌بابایی یادآور شد: شرکت‌کنندگان در آزمون استخدامی نسبت به نتیجه آزمون استخدام شکایت ندارند، و همین‌ساخته هنرچویان را به سمت میرخانی می‌کشاند.

در پایان مراسم، نمایشگاهی آموزشی و پرورش و ارستان‌ها به مرکز آموزش و پرورش استان‌ها مراهجه کنند.
ی‌ت تأکید کرد: تمامی سهمیه‌های ظرف خراشه استخوان نوناست از جان غلی حفاظت نماید و پاسدار جان بافضیلت او باشد و بدینسان خداوندگار صبر و تحمل، شجاعت و ایثار، در فضایی تلخ‌تر از حطّظ و در حالی که خنار در چشم، خراشه استخوان در گلو داشت با آخرین دم‌های جان به لب رسیده، فریاد «فرت و رب الکعبه» سر داد. آری علی چنین بود و دیگر هرگز کسی را نرسد که چنان باشد، او نسخه فرده بود. آن‌که جان غلی را کشتن زهر شمشیر این‌مدلج مرادی نبود، بلکه زهر همان خراشه استخوان در گلو بود.



مدیر امور حجم سازمان زیباسازی شهرداری تهران از بازگشایی موزه علی اکبر صنعتی در تهران خبر داد.

به گزارش مهر، مجتبی موسوی مدیر امور حجم سازمان زیباسازی در حاشیه مراسم نکوداشت حسین خراشه که هفتم شهریور در نگارخانه برگ برگزار شد، از بازگشایی موزه علی اکبر صنعتی در تهران خبر داد.
او گفت: این موزه تنها کسی در کشور باشد که در موزه رسمی به نام وی ثبت شده که یکی در کرمان و دیگری در تهران است. مرحوم صنعتی نقاش و مجسمه‌ساز

اعلام نتایج نهایی کنکور ۸۹ اوایل نیمه دوم شهریور

نهایی این آزمون نیمه دوم مهر منتشر خواهد شد.
وی افزود: اعلام اسامی معرفی‌شدگان چند برابر ظرفیت علمی و همچنین مترکز-سایت رسانی دهه اول مهر روی کشور است. سازمان سنجش به نشانی **www.sanjesh.org** می‌گردد. وی گفت: در صورت درخواست سنجش و موسسات آموزشی عالی، تکمیل ظرفیت برای برخی از رشته‌های تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۸۹ نیمه دوم مهر اعلام می‌شود.

امام موسی صدر «سرو سبز»



چه ساز بود که در پرده می‌زد آن مطرب
که رفت عمر و هنوزم دماغ پر زهواست

حافظ

از سپس سالهای دیر و دور قامت بلند او
می‌بینم که به سان سروی ستبر ایستاده است، دست‌هاش به سخاوت گشوده، دیدگان جنگلی سبزش مهربان و بخشنده به انسان و لیبان، و ایران و جهان می‌نگرد...

«امام موسی صدر» نامی است که بر لیان لیثان می‌گردد و می‌چرخد تا باز آید و بنگردد آنان را که او دانائی و آزادیگی آموخت.

بچه‌های کوچک‌های صور و صیدان، زنان و مردان بیروت و بعلبک نام بلند او در نیمه شبسان و ورد زبان می‌سازند و حکایت مهر او را به گوش فرزندان زمزمه می‌کنند. و با خود می‌خوانند:

ز کانی زلد که شناسم ترا

کی گشته‌ای نهفته که پیدا کنم ترا

غایب نگشته‌ای که شوم طالب حضور

پنهان نبوده‌ای که هویدا کنم ترا

نخستین بار او را در مشهد دیدیم، در کانون نشر حقایق اسلامی که به پایداری استناد ما زنده با محمدصیبری شیعی بی‌افکنده شده بود... شبی آمد و از لیثان و از آنچه کرده بود و از آنچه می‌خواست بکند برای مجلسیان سخن باز گفت: به یاد دارم که گفت شیعیان در آن دیار به کارهای خود سرگردند...

او امیدوار و اعتمادشان را بر آنان باز گردانده بود و آینده‌از آن آنان می‌دانست.

هنرستانی صنعتی گشوده بود، به توصیه زنده یادمهندس بازرگان، شهید چمران «بر کلی» امیریکارارها کرد و در کار ساختن مرادی بود که لیثان را بسازند و شیعیان را عزت بخشند.

«امام صدر» فلک‌ار سقف شکافته بود و طرحی نو در انداخته بود... سه

صدر «صدر» همه را در بر گرفته بود، همه را پناه داده بود.

«امل» امید بود برای همه محرومان، دریای گشوده‌های بود برای همه دلدادگان داد. و نام «صدر»، سینه‌ای گشوده بود برای همه آنان که به انسان و لیبان عشق می‌ورزیدند.

خیمه بلندی که او برافراشت در سایه‌اش بسیار کسان جای داشتند، نه تنها شیعیان که شیعیان ایران، مسیحیان، فلسطینیان، همه لبنانیان، همه آزادگان و کسانی که انسان و

توانائی انسان را باور دارند.

او نخستین روحانی بود که دانشگاه حقوق تهران را به اتمام رسانده بود، پایی در قم داشت، گامی در تهران.

در حوزهٔ فقه، درس دین می‌آموخت و در دانشگاه تهران، هم درس دنیا «اقتصاد» می‌خواند و هم نهضت مقاومت ملی را

یاری می‌رساند. می‌دانست که برای پیروز، باید پاسداری در آرزویخت، باید گروستیگر را میان برداشت، و ایمان داشت که شکم گرسنه ایمان ندارد.

«اسلام» را مکتبی می‌دانست برای آزادی، دوستی، صلح، ستیز باستم، در پی لاییش اسلام بی‌آلایش و آرایش بود. می‌دانست که

دینس ترا در پی آفرینشد

بس که فرزند بسر او بسار و ب

گسرتو بیسی نشناسی دگر

سید مهابه لبنان که رفت، برای شیعیان کرامت آسان‌اباز گفت و عزت آنان را راه نمود. لیثان را یکپارچه می‌خواست، لبنانیان بر هر مذهب و اندیشه‌ای را او دوست داشتند چرا که او انسان را دوست داشت و برای نیکبختی انسان به جد و جان می‌کوشید.

او رایتی افراشت که شیعیان کرد آمدند، بزدی افشاند که در خنان سایه گسترند، خندرسامان، سرسوزن‌بازان، یستادگی وسایه گستر می‌رام او بود. قم را با گذشته پیوند می‌داد و تهران پریش حال و آینده بود. جلال آل احمد می‌گفت همیشه در تهران بارها امام موسی مهمان آنان بود و سیمین دانشور عزیز ما از دیدارش با او حکایت‌ها داشت. او همیشه جویا و جستجوگر ادب معاصر ایران و جهان بود. نیما در خانه جلال به دیدارش رفت و شرح دیدار را باز گفت:

نیما در یادداشت‌هایش این‌گونه

«اخیر در منزل آل احمد سید موسی صدر را دیدیم. در شبی که پریشان بودم و او متأثر شده بود در دست بود و در اندیشه زانم و در مانی پریشانی خلاص شدم. به من گفت در عالم خواب: من همین جا را برای شما قم خواهم کرد.»

جان جوینده او همیشه در پرواز بود، جمال‌زاده برآیم روایت کرد که روزی امام صدر به ژنی ژود آمد و مهمان او بود و از آن دیدار سخن‌ها داشت. امام صدر هنگامی به لبنان رفت که شیعیان برانگنه بودند، خفتگانی چند که غم آنان خواب در چشم ترش می‌کشست.

او را امید و کرامت و عزت را از آنان بازگرداند. برانگنه‌گان به برکت اندیشه بلند او توانی یافتند و خواب را از چشم ستمگران سهویبست

رودند و جهان را با حماسه بی نظیرشان به شگفتی آوردند. با دهم امام صدر در قم دیدم، شبی باستان به دیدارش رفتم، همچنان لبخند به لب داشت، گداهم که دور دست بود و در اندیشه زانم و در مانی بود که می‌خواست بهر بزیند. اکنون او جایی یافته‌بود داشته. دوست پاپ، جمال‌عبدالناصر، حافظ‌اسا، ملک عبدالله و عرفات و یوم‌الین. همه دوستش داشتند... چه روزی زنی در لبنان پدید آمده بود... خط اسراییل را با ایرانیان بازگفت و از خاموشی متبدان و تخریر متجنران گله‌ها داشت. او می‌گفت:

«من همواره بر این وسیله تأکید می‌کنم که دین پیش از آنکه توشه

آخرت باشد، اولین و سببه برای زندگی است.»

او در راه بهبود زندگی اجتماعی مردم به جان کوشید و نوشت:

«تا وقتی زندگی اجتماعی مردم در این سطح است، وضع دینی آنان را نمی‌توان بهبود بخشید.»

امام در دستن کتاب داشت، در دست سلاح، و دهانی زرد گوارگی که گفت: اگر قرار باشد دیوار حمایت من با مقاومت من در قدامت راه دفاع از همین باز دارد، بی‌دی رنگ آن را کنار می‌گذارم...»

امام صدر دین را برای زندگی می‌خواست، نه زندگی را برای دین. دین را زیبایی و شادای می‌دانست، مرد ستامح و مظهر تعادل بود، آتین برای او آگاهی بود و آزادی، دوستی بود و مهرورزی، دادگری بود

و داناتی

شریعت برای رفتن بود نه ماندن و کتاب برای حرکت بود نه خفتن،

به قول مولانا:

گرچه مقصود از کتاب آن فن بود

گر تو‌اش بالمش کنی هم می‌شود

کیس مادر دل دیواری نداشت، در برون با دیوارهای منجید، در کتیبه